

وظایف زن در زندگی زناشویی و نقش آن در استوار ساختن بنیاد خانواده از دیدگاه فقه اسلامی

Wife's duties in marital life and their role in stabilization of the family unit from the viewpoint of Islamic Jurisprudence

Farzad Parsa

Sohila Rostami

Shilan Sajadi

فرزاد پارسا *

سهیلا رستمی **

شیلان سجادی ***

Abstract

The religion of Islam donated a prominent position to the family. Therefore, that along side of the stabilization of this unit has been settled duties for each of the spouses. The aim of the current research was to investigation of the wife's duties in marital life from the viewpoint of Islamic Jurisprudence and their effect on stabilization of the family unit. The research was descriptive- analytical and was conducted using content analysis. The data gathered based on library and documentary method. The stabilization of the family unit means to regard for the reciprocal rights between spouses, learning the justice's principal and governing the morality to fulfilling the prominent goal of the human's creation and reach to perfection, achieving healthy, safe and empowered society and finally to the continuance of generation. The examination of the data revealed that the duties that the wife is responsible for are as follows: obedience and compliance, sociability and affability, beautifying and self make-up, preserving the house and belongings in the absence of husband, maintain the dignity, cooperation and collaboration in upbringing the children, leaving home by permission and favour to parents and relatives. According to the research, findings can said that the consequences of regard of the mentioned duties are to set up relaxation and cordiality in the family, resistance of attachment and empathy between spouses and ultimately preventing the occurrence of marital discords. Therefore, recommended to establish the training of these duties and their impact on relaxation and stabilization of the family in the programs and practices of family counseling and psychotherapy.

Key Words: *stabilization of the family, unit of family, woman, duties*

چکیده

دین اسلام جایگاه والایی را به خانواده بخشیده است. از این رو برای هریک از همسران در راستای استواری این نهاد وظایفی قرار داده است. هدف پژوهش حاضر بررسی وظایف زن در زندگی زناشویی از دیدگاه فقه اسلامی و تأثیر آن بر استوار ساختن بنیاد خانواده است. پژوهش توصیفی- تحلیلی است و با به کار بستن تحلیل محتوا به انجام رسیده است. داده‌های پژوهش بر پایه‌ی روش کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده است. استوار ساختن بنیاد خانواده به معنای رعایت حقوق متقابل میان همسران، فراگیری اصل عدالت و حاکمیت اخلاق برای برآورده ساختن هدف والای آفرینش آدم و به تکامل رسیدن او، برخورداری از جامعه سالم و ایمن و توانمند و سرانجام تداوم نسل است. تفحص داده‌ها نشان داد وظایفی که زن بر عهده دارد عبارت است از: پیروی و فرمان‌برداری؛ حسن معاشرت و خوش‌رفتاری؛ خودآرایی و آرایش؛ محافظت از منزل و اموال در غیاب همسر؛ حفظ کرامت؛ تعاون و همکاری در تربیت فرزندان؛ خروج از منزل با کسب اجازه و نیکی به پدر و مادر و خویشان. بر پایه برآیندهای این پژوهش می‌توان گفت که از پیامدهای رعایت وظایف یادشده برپایی آرامش و مودت در خانواده، پایداری دل‌بستگی و همدلی میان همسران و سرانجام جلوگیری از روی دادن اختلافات خانوادگی است؛ بنابراین، آموزش این وظایف و تأثیر آن‌ها در آرامش و استواری خانواده، در برنامه‌ها و کاربست‌های مشاوره و روان‌درمانی خانواده پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: *استوار ساختن خانواده، بنیاد خانواده، زن، وظایف*

*. استادیار، گروه فقه شافعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

** استادیار، گروه فقه شافعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران، (نویسنده مسئول) rostamisoheila@gmail.com

*** کارشناسی ارشد، فقه شافعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

مقدمه

خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی و از بنیادی‌ترین موضوعات در روند رشد شخصیت، پیشرفت و تعالی انسان به‌سوی خوشبختی است. پایه و بنیاد خانواده ازدواج است و آن فرایندی از همکنش میان زن و مرد است. در اسلام پیوند زناشویی به‌عنوان یکی از نشانه‌های فرزاندگی و توان خداوند متعال مطرح شده و مودت و آمرزش است که کانون خانواده را استواری می‌بخشد. مودت و آمرزش هنگامی در خانواده ایجاد می‌گردد که هر یک از همسران وظایف خویش را به‌درستی انجام دهند. از همین رو است که بخشی از آیات و احادیث^۱ با هدف حفظ بنیاد خانواده به ساماندهی و برابرسازی روابط اعضای خانواده و بیان حقوق و وظایف همسران در برابر یکدیگر و کوشش برای ایجاد زندگی مشترک آکنده از یکرنگی و صمیمیت و پرهیز از فروپاشی کانون خانواده اختصاص یافته است.

استوار ساختن بنیاد خانواده، از جمله موضوعات بارز و مورد توجه دین‌پژوهان، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان در عصر حاضر است، چه اگر خانواده‌هایی سالم و بی‌تنش یا کم‌تنش برپا شوند، به‌طریق‌اولی به استواری جامعه می‌انجامند؛ ولی مشاهده می‌شود که بسیاری از ناکامی‌ها در برپاساختن خانواده یا تداوم بنیان آن و بالا رفتن آمار طلاق و ناسازگاری در میان زوجین، برآمده از کمبود یا نبود دانش درباره وظیفه در خانواده است. پس ضرورت دارد این وظایف تبیین گردند تا زوجین با شناخت و واقع‌بینی درباره به وظایف خود در خانواده از فروپاشی آن جلوگیری کرده و در راه استحکام آن گام بردارند.

گذری هرچند کوتاه در سیر تاریخی جایگاه زن پیش از اسلام می‌تواند دیدگاه ما را درباره اسلام و آموزه‌های آن درباره زن و وظایف او روشن‌تر نماید. ارسطو زن را موجودی ناقص قلمداد می‌کرد. به باور او، طبیعت آنجا که از آفریدن مرد ناتوان است، زن را می‌آفریند. زنان و بندگان از روی طبیعت محکوم به اسارت هستند و به‌هیچ‌وجه سزاوار شرکت در کارهای عمومی نیستند (دورانت، ۱۳۷۶: ۱۴۸). زنان در این تمدن، فاقد آزادی بودند و اراده آن‌ها سلب شده بود؛ به گونه‌ای

^۱ در متن مقاله به آنها اشاره شده است.

که کمترین حق و صلاحیتی نداشتند و در بازارها خرید و فروش می‌شدند (عزاز، بی‌تا: ۱۷؛ تلیدی، ۱۴۱۱: ۹؛ محمود، ۲۰۰۱: ۳۹).

در یونان باستان، هرگاه دختری شوهر می‌کرد، از میراث پدر بی‌بهره می‌شد و در ماترک احتمالی شوهر هم هیچ‌گونه اختیاری نداشت (ارسطو، بی‌تا: ۲۱۴). هم‌چنین در قوانین مدنی یونان باستان، پدری که پسر نداشت و دارای چند دختر بود، می‌توانست برای یکی از دختران خود شوهری انتخاب کند و او را به‌جای پسر، وارث خود قرار دهد (افلاطون، ۱۳۵۴: ۳۸۶). در قوانین سولون کارهایی که تحت تأثیر زنان صورت می‌گرفت، ارزش قانونی نداشت (دورانت، ۱۳۷۶: ۱۸۵/۲) تا آنجا که اقامه دعوا در دادگاه نیز برای زنان شدنی نبود؛ زیرا زنان فاقد اهلیت قانونی بودند (کمالی، بی‌تا: ۱۴).

در تمدن رومی نیز زن از همه حقوق مدنی خود بی‌بهره بود (محمود، ۲۰۰۱: ۴۱)؛ تا آنجا که شوهر قادر بود در زمینه پاره‌ای اتهام‌ها، دستور اعدام او را صادر کند. پدر او نیز از قدرت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود؛ تا جایی که می‌توانست فرزندانش را به قتل رساند؛ یا آن‌ها را خرید و فروش کند. زن و همه دارایی‌اش جزو دارایی شوهر شمرده می‌شد و در همه امور او، آن‌گونه که مایل بود، دخل و تصرف می‌کرد. پیمان زناشویی در این تمدن، برای زن به منزله پیمان بردگی و عبودیت بود؛ درحالی‌که او پیش‌ازین پیمان نیز برده پدرش شمرده می‌شد (عزاز، بی‌تا: ۱۸).

در تمدن هندی زن همواره کمتر و فرودست‌تر از مرد بود که این مرد یا پدر بود یا شوهر یا پسر. در مجموعه قوانین مانو آمده است: زن در هنگام کودکی باید فرمان‌بردار پدر باشد و در زمان جوانی فرمان‌بردار شوی و اگر شوی او مُرد، سر به اطاعت پسران نهد و هرگاه پسر نداشت، خویشاوند ذکور نزدیک را فرمان‌بردار؛ زیرا زنان را در اعمال خود نمی‌توان مختار کرد (دورانت، ۱۳۷۶: ۷۹/۲). در این آیین زن تنها دارای حق زندگانی است و از دیگر حقوق مدنی و اجتماعی بی‌بهره است (شوقی، ۱۳۵۵: ۴۴۲). به گفته اسطوره‌هایشان، هنگامی که خداوند اراده کرد تا زن را بیافریند، متوجه شد که مواد لازم برای آفرینش او، هنگام آفرینش مرد تمام‌شده است؛ از این رو

به ناچار او را از ته مانده های موادی که از آفرینش مرد باقی مانده بود، آفرید (شوقی، ۱۳۵۵: ۳۰-۲۹). در این تمدن زن را موجودی نفرین شده و وبای کشنده می پنداشتند (مسیکه بر، ۱۹۹۲: ۱۸).

در کتاب های چین باستان، زن آب دردآوری خوانده می شد که جامعه را می شوید و سعادت و سرمایه آن را می برد و مرد نیز زن را شری می دانست که با میل خود، او را نگه می داشت و هرگاه اراده می کرد - به شیوه ای که خود می پسندید - از دست او خلاص می شد (مسیکه بر، ۱۹۹۲: ۱۹).

یهودیان، زن را مایه اندوه و بدبختی می دانستند؛ به گونه ای که وجود او را تنها از آن رو تحمل می کردند که یگانه خاستگاه زایش سرباز بود (دورانت، ۱۳۷۶: ۲ / ۱۴۹). آن ها او را ناپاک و پلید پنداشتند. با همین دست آویز او را مورد ستم قرار دادند و به چشم موجودی که مسئول گناه (تورات سفر پیدایش، باب سوم، آیات ۶ و ۱۳ و ۱۶) اولیه آدم است، به او نگرستند و این گناه را اشتباه بزرگی قلمداد کردند که به شکل موروثی از حوا به دیگر هم جنس های او منتقل شده است؛ چنان که حتی یکی از پیامبران بنی اسرائیل گفته است: «اینک من در گناه سرشته شدم و مادرم با گناه مرا آستن گردید» (مسیکه بر، ۱۹۹۲: ۲۰). زنی که دختر به دنیا می آورد نیازمند غسل دوباره بود؛ ولی پسر که به پیمان خود با یهوه می بالید، همیشه در نماز خود تکرار می کرد: «خدایا تو را سپاسگزارم که مرا بی دین و زن نیافریدی» (دورانت، ۱۳۷۶: ۲ / ۱۴۹).

زن در میان عرب ها نیز از هیچ گونه حقوق مدنی و اجتماعی برخوردار نبود. عرب جنس مرد را ترجیح می داد و مرد خداوندگار زن به شمار آورده می شد و پدرشاهی گسترشی تام داشت (پطروشفسکی، ۱۳۵۱: ۱۸۵). زن و دختر در میان آنان ارث نمی بردند و حق تملک چیزی، حتی بدن و جان خویش را نیز نداشتند، به طوری که گاه او را به عنوان پاداش، گاه به مثابه خراج و باج و گاه به عنوان اجاره و عاریه به دیگری محول می نمودند (حسن، ۱۳۸۵: ۱۲/۱). آنان همچون ملل دیگر زاده شدن دختر را ناخجسته می دانستند و نوزادان دختر خود را از بیم ننگ و شرم یا بر اثر نداری و تنگدستی زنده به گور می کردند (نحل/۵۸؛ اسراء/۳۱). حق ازدواج دختران در اختیار ولی بود و او حق داشت آنان را وادار به ازدواج نماید و مهرشان را برای خود بگیرد. چند همسری بدون هیچ قید

و شرطی جایز بود. رضایت زن جزو شروط ازدواج نبود و سن مخصوصی نیز برای آن در نظر گرفته نشده بود (ابن حجر، ۱۴۰۸: ۱۵۸/۹؛ بدران، ۱۳۸۱: ۲۵-۲۴).

زن در تمدن ایرانی سرگذشت مفصلی دارد. با این حال، از واپسین بخش آن - روزگار ساسانی - یاد می‌کنیم. زن روزگار ساسانی نه در جامعه دارای حقوق سیاسی و اجتماعی بود و نه در خانه صاحب حق و حقوقی. موقعیت زن در این عصر چنان پست و نازل بود که به قول بارتلمه (۱۳۳۷: ۱۳-۱۲) زن دیگر شخص فرض نمی‌شد، بلکه شیء پنداشته می‌شد. به عبارت دیگر وی شخصی که صاحب حقی باشد به شمار نمی‌رفت، بلکه چیزی که می‌توانست از آن کسی، حق کسی شناخته شود، به شمار می‌رفت. وی از هر لحاظ تحت سرپرستی و قیمومیت رئیس خانوار که کتک‌ختای (کدخدا) نامیده می‌شد، قرار داشت. این رئیس خانوار ممکن بود که پدر یا شوهر و یا جانشینان آن‌ها باشد. تمام هدایایی که به زن یا به کودکان داده می‌شد و یا آنچه آن‌ها بر اثر کار تحصیل می‌کردند، عیناً مانند درآمدهای اکتسابی بردگان، همه متعلق به این رئیس خانوار بود. در این عهد زنانی را که یک مرد می‌توانست به عقد خود دریاورد بسته به میل و قدرت مالی و ارادی او بود. مردی که قدرت مالی چندانی نداشت مجبور بود عزب زندگی کند و یا به یک زن قانع باشد درحالی که در حرم‌سراهای اشراف افزون بر پادشاه زن که کدبانوی حرم‌سرا محسوب می‌شد تعداد بی‌شماری چاکر زن زندگی می‌کردند. از آن گذشته «خویذ و گدس؛ خویت و دث» یا ازدواج با محارم در نزد اشراف مجاز بود (۱۳۷۷: ۲۳ تا ۳۳ و ۴۸).

در این دوره ارزش پسر بیشتر از دختر بود. تولد پسر موجب خوشحالی بیشتر می‌شد پدر با دادن صدقات و با انجام مراسم دینی خاصی شکر خدا را به جا می‌آورد. دختر خود مستقلاً حق اختیار شوی را نداشت بلکه پدر یا شخص دیگری که ولی او به شمار می‌رفت مکلف بود به محض رسیدن به سن بلوغ او را به شوهر بدهد؛ زیرا منع دختر از تولد گناه عظیمی به شمار می‌رفت. مراسم نامزدی غالباً در سن طفولیت به عمل می‌آمد و ازدواج در جوانی صورت می‌گرفت. در پانزده‌سالگی دختر باید شوهردار می‌شد. برای ازدواج مهر را معین می‌کردند پس آنگاه شوهر مبلغی را به پدر دختر می‌پرداخت لکن می‌توانست آن پول را در بعضی موارد مجدداً مطالبه کند مثلاً اگر پس از عروسی معلوم می‌شد که او ارزش آن مبلغ را ندارد، ظاهراً مقصود از این عبارت این است که زن عقیم باشد.

در حقوق ساسانی مرد افزون بر این که صاحب مال زن بود این حق را نیز داشت که می توانست زن خود را برای مدت معینی به مردی که نیازمند داشتن زن بود، به زنی بدهد حتی می توانست بی رضایت زن این کار را انجام دهد، ولی دارایی زن به آن شوهر دوم تعلق نمی گرفت. شوهر دوم مکلف بود از آن زن نگاهداری نماید. کودکانی که از زناشویی دوم متولد می شدند، از آن شوهر اول بودند نه برای پدر واقعی خود، مدت این زناشویی بسته به رضایت دو طرف بوده است. (نفیسی، ۱۳۸۴: ۶۰) در این دوره و به ویژه در پایان عهد ساسانی حرم سراهای اشراف مملو از زنان و کنیزکان بوده و زن مفهومی برابر با کالا داشته است (نوابخش، بی تا: ۱۵۷). بنا به نوشته طبری خسروپروریز در حرم خود غیر از دخترانی که خدمتکار و خنیاگر و مطرب او بودند سه هزار زن داشته است (طبری، ۱۹۹۱: ۷۶۶/۲) روی هم رفته زن ایرانی در این عصر مقام و موقعیتی پست داشت و از دیدگاه جامعه طبقاتی عهد ساسانی زن بیشتر یک کالا بود تا یک انسان.

با ظهور اسلام غبار ذلت و خواری از چهره زن زدوده شد و کرامت انسانی اش به شیوه های مختلف آشکار شد. اسلام عادت ها و سنت های جاهلی و نیز رفتارهای غیرانسانی با زنان را تقیح کرد، معیار ارزشی را در جامعه تغییر داد، تساوی زن و مرد را در گوهر انسانی به اثبات رساند و هویت انسانی زن را به همه شناساند. زنان در این دوره فعالانه در عرصه های مختلف اجتماعی حضور داشتند و دارای عزت نفس، استقلال فکری و آزادی و حق رأی بودند. در جنگ ها دوشادوش مردان حاضر بودند و برای دفاع از اسلام از جان مایه می گذاشتند. آنان در محیط خانه و خانواده مادری مهربان، همسری باوفا و خواهری دلسوز بودند و در عرصه اجتماع نیز نقش انسان مسلمانی را همچون سایر شهروندان سرزمین اسلامی بر عهده داشتند و آزادانه در مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی حق رأی و اظهار نظر و دخالت داشتند. در مسجد - مدرسه پیامبر (ص) - همچون مردان حضور پیدا می کردند و مورد خطاب قرار می گرفتند. در نتیجه تعالیم پیامبر (ص)، زنان در دوره های نخستین و در میدان علوم و معارف خوش درخشیدند و در عرصه های مختلف علمی وارد شدند. علامه طباطبایی (۱۹۸۳: ۱۹۸/۲) می گوید: زن از برکت اسلام، مستقل و متکی به نفس شد، اراده و عمل او که تا ظهور اسلام به اراده مرد گره خورده بود، روی پای خود

ایستاد و مستقل شد و به مقامی رسید که دنیای پیش از اسلام باهمه قدمتش در تمامی ادوارش چنین مقامی به زن نداده بود. اسلام مقامی به زن داد که در هیچ‌یک از زوایای گذشته بشر چنین مقامی برای زن نخواهد یافت. عمر بن خطاب گفته است: به خدا سوگند ما در جاهلیت هیچ شأنی برای زنان قائل نبودیم تا این که خداوند درباره آنان آیاتی نازل کرد و حقوق و بهره‌هایی برایشان قائل شد (مسلم، بی تا: ۱۹۰/۴).

موضوع این پژوهش برای مؤلفین و پژوهشگران واجد اهمیت بوده است. در میان نوشتارهای پیشین می‌توان موارد زیر را ذکر کرد: تحکیم خانواده و راهکارهای تقویت آن (روحی، ۱۳۹۰)؛ راهکارهای تحکیم خانواده از منظر دین (توحیدی نژاد، ۱۳۹۴)؛ عوامل تحکیم و ثبات خانواده (نوری، ۱۳۸۹)؛ حقوق زوجین در اسلام (پازوکی، ۱۳۷۸) و محدوده شرعی تمکین عام زوجه (رهبر، ۱۳۹۳).

این پژوهش به صورت خاص و ویژه به بحث درباره‌ی وظایف زن (همسر) در زندگی زناشویی اشاره نموده که در پژوهش‌های مذکور کمتر به آن پرداخته شده است. نیز تأکید بیشتر این پژوهش بر این است که رعایت این وظایف خاصه از جانب زوجه سبب استحکام خانواده و ایجاد آرامش و انس و الفت بین اعضای خانواده و از بین رفتن بسیاری از مشکلات و سوء تفاهم‌ها و جلوگیری از طلاق می‌گردد. همچنین در این مقاله برخلاف مقالات مذکور، از منابع و دیدگاه‌های اهل سنت استفاده شده است.

پژوهش حاضر در پی بررسی وظایفی است که زن در زندگی زناشویی بر عهده دارد. پرسش اصلی در پژوهش حاضر این است که وظایف زن در زندگی زناشویی بر پایه فقه اسلامی کدام است و این وظایف چه تأثیری در استواری و نیرومند ساختن بنیاد خانواده دارد؟

روش پژوهش

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش کتابخانه‌ای و اسنادی و با به‌کارگیری ابزار فیش است. روش انجام این پژوهش توصیفی - تحلیلی و از نوع تحلیل محتوا است. بر این اساس عناوین

اصلی و کلیات بحث توصیف شده، درون‌مایه آن‌ها در یک فرایند کیفی و با بکار بستن سنج‌ها و قواعد فقهی مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد.

شیوه اجرای پژوهش

پس از مراجعه به کتابخانه و جستجو و پژوهش در منابع فراوان فقهی و اسلامی و پژوهش در زمینه پرسمان مورد بحث نوشتار، یافته‌های مورد نظر در برگه‌های فیش گردآوری و پس از دسته‌بندی مطالب به صورت نوشتار حاضر سامان داده شد.

یافته‌های پژوهش

الف. هدف از آفرینش زن در قرآن

خداوند متعال می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (و یکی از نشانه‌های (دال بر قدرت و عظمت) خدا این است که از جنس خودتان همسرانی را برای شما آفرید تا در کنار آنان بیارامید و در میان شما و ایشان مهر و محبت انداخت (و هر یک را شیفته و دل‌باخته دیگری ساخت تا با آرامش و آسایش، مایه شکوفایی و پرورش شخصیت همدیگر شوید و پیوند زندگی انسان‌ها و تعادل بدنی و روحانی آن‌ها برقرار و محفوظ باشد). مسلماً در این (امور) نشانه‌ها و دلایلی (بر عظمت و قدرت خدا) است برای افرادی که (درباره پدیده‌های جهان و آفریده‌های یزدان) می‌اندیشند» (روم/۲۱). همچنین می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» او آن کسی است که شمارا از یک جنس آفرید و همسران شمارا از جنس شما ساخت تا شوهران در کنار همسران بیاسایند (اعراف/۱۸۹).

بر اساس این دو آیه کریمه هدف از خلقت زن به‌عنوان زوجه در فرهنگ قرآن ایجاد آرامش، سکونت، مؤانست و ایجاد فضایی امن در محیط خانواده است. خداوند خود زن را آیه و رحمت الهی توصیف می‌کند. تعبیر سکنی در اینجا اشاره به این واقعیت دارد که آرامش، مقام و موقعیتی

است که انسان باید بدان دست یابد و از دیدگاه قرآن وظیفه خانواده زمینه‌سازی برای رسیدن به این هدف است (روحی، ۱۳۹۰: ۱۱۲).

ب. خانواده و استوار ساختن [تحکیم] پایه‌های آن

امروزه یکی از مباحث مهم و مورد توجه روان‌شناسان، دین‌پژوهان و جامعه‌شناسان، توجه به تداوم روابط زناشویی و استحکام بنیان خانواده است؛ چراکه عواملی همچون توسعه سطح مدنیت، اصالت فردگرایی و لذت‌گرایی، تغییر سبک زندگی و گسترش اطلاعات نخستین نهادی را که به چالش کشیده و در معرض خطر و تهدید قرار داده، نهاد خانواده است. شهید مطهری می‌گوید: هیچ عصری مانند عصر ما، خطر انحلال کانون خانواده و عوارض منفی ناشی از آن را مورد توجه قرار نداده است و در هیچ عصری مانند این عصر، بشر عملاً دچار این خطر و آثار سوء ناشی از آن نبوده است (۱۳۷۱: ۲۸۹/۱).

افزون بر این نظرات فمینیست‌های افراطی در این زمینه آینده‌ای نگران‌کننده و ضد بشری ترسیم می‌نمایند؛ مانند فروپاشی کامل خانواده به عنوان تنها راه نجات زنان از مردسالاری، سپردن کودکان به مهد کودک‌ها و حتی در مرحله بالاتر تولید کودکان آزمایشگاهی و پرورش آن‌ها بدون دخالت نقش مادری (بستان، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

بر اساس آیات قرآن و احادیث پیامبر (ص) دین اسلام همواره سعی بر حفظ بنیان خانواده و تحکیم پایه‌های آن بر اساس اصول اخلاقی دارد؛ زیرا پیوند زناشویی امری فطری و غریزی است و در مرحله اول نیاز به آموزش ندارد ولی تداوم این بنیان نیازمند آموزش و کسب مهارت‌های زندگی خانوادگی و شناخت هدف است. به همین خاطر است که قرآن از ازدواج با نام میثاق غلیظ یاد می‌کند. سید قطب (۱۴۱۲: ۶۰۷/۱) می‌گوید: این «میثاق غلیظ»، میثاق نکاح با نام خدا و بر اساس سنت الهی است؛ پیمانی است سخت که قلب هیچ مؤمنی حرمت آن را خوار نمی‌دارد و آسان نمی‌شمارد؛ بنابراین استوار نمودن و تحکیم ریشه‌های این بنیان الهی وظیفه هر زوج مسئولیت‌پذیر است.

منظور از استوار ساختن بنیاد خانواده، فراگیر بودن اصل اعتدال، حاکمیت اخلاق، حفظ و رعایت حقوق متقابل بین زوجین برای تشکیل جامعه سالم و تأمین سلامت روانی افراد خانواده است و اهمیت بحث از آن ریشه در اهمیت نهاد خانواده دارد؛ چراکه نهاد خانواده نهادی مقدس و رکن اساسی اجتماع بشری و محمل فرهنگ‌های گوناگون است. نخستین شرط برخورداری از جامعه سالم، سلامت و پایداری خانواده است و همه دستاوردهای علمی و هنری بشر در سایه خانواده سالم و امن پدید آمده است. قرآن کریم به‌عنوان برترین نسخه زندگی و عالی‌ترین راهنمای بشر برای دستیابی به حیات طیبه، بخشی عظیم از آیات را به تنظیم و تعدیل روابط اعضای خانواده، حقوق و وظایف همسران و فرزندان اختصاص داده است. رجوع به این آیات الهی می‌تواند انسان را برای دستیابی به بهترین راهکارها در تحکیم خانواده هدایت کند. برخی از سوره‌های قرآن به‌صورت خاص مسائل خانواده را بیان می‌کنند، مانند سوره‌های نساء، تحریم، طلاق و ... اهداف خانواده و اقتضای تأسیس آن ایجاب می‌کند که پایه‌گذاران آن یعنی زن و شوهر، در تحکیم و پایداری این بنا نهایت سعی خود را بنمایند و باهمان انگیزه که بر تشکیل آن اقدام کرده‌اند بر دوام آن اصرار ورزند تا وحدت و پویایی این نهاد مقدس تا پایان حفظ گردد. خانواده بنیادی‌ترین نهاد در جامعه انسانی است که وظیفه تربیت و سازندگی افراد و انسان‌ها را بر عهده دارد و اگر افراد نتوانند خانواده را تحکیم بخشند و افرادی باایمان در آن پرورش دهند، نمی‌توانند جامعه‌ای ایدئال برای نسل آینده بسازند و از فرهنگ ایمانی خود جامانده و به اهداف متعالی خود نخواهند رسید (نوری، ۱۳۸۹: ۴۷)

بنابراین خانواده‌ای دارای استحکام و ثبات است که هر یک از اعضای آن وظایف خاص خویش را به نحو احسن انجام دهند. بر اساس آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»^۱ ای مؤمنان خود و خانواده خویش را از آتش دوزخی بر کنار دارید که افزون‌تر از انسان‌ها و سنگ‌ها است. فرشتگانی بر آن گمارده شده‌اند که خشن و سختگیر و زورمند و توانا هستند. از خدا در آنچه بدیشان دستور داده است نافرمانی نمی‌کنند و همان چیزی را انجام می‌دهند که بدان مأمور شده‌اند» (تحریم/۶). حفظ کیان خانواده وظیفه مؤمنان اعم از زن و مرد است و این حفظ در گرو

رعایت وظایف از جانب هر یک از همسران است. چراکه یک زوج دایره کاملی از انسانیت را تشکیل می‌دهند و بنابراین زن و مرد مکمل یکدیگر قرار می‌گیرند؛ و این مکملیت هم در ویژگی‌های طبیعی و هم در حقوق و تکالیفی که در قبال یکدیگر دارند، پدیدار شده است؛ و هراندازه زن و شوهر بیشتر در پی تکمیل یکدیگر برآیند، به خیرخواهی، صفا و صمیمیت، عشق و محبت و همکاری و صلح و پابندی به پاکی و عفت در کردار و گفتار و در نتیجه رسیدن به آرامش، نائل خواهد گردید، همان‌طور که در آیه ۲۱ سوره روم به آن اشاره شده است.

با توجه به آموزه‌های دین مبین اسلام، برای زندگی خانوادگی دو گونه نقش تعریف شده است: نخست نقش‌ها و وظایف عام و دیگری نقش‌ها و وظایف خاص. درباره مورد نخست، مسئولیت‌هایی مانند ایجاد امنیت و گسترش پیوندهای عاطفی (مودت و رحمت) و تشریک‌مساعی در زندگی و معاشرت نیک و پسندیده جنبه عام و مشترک دارند؛ یعنی زن و مرد در این حوزه از نقش‌های متقابل و مشترکی برخوردارند. باوجوداین، زن و مرد در زندگی خانوادگی نقش‌های متفاوتی نیز دارند که برای هر یک از همسران جنبه اختصاصی دارد (علاسوند، ۱۳۹۰: ۸/۲).

دین اسلام به وظایف زن در خانواده توجه خاصی دارد. در فقه و حقوق اسلامی از این وظایف با عنوان تمکین یاد شده است. تمکین به دودسته عام و خاص تقسیم می‌شود. تمکین عام به معنی قبول ریاست شوهر بر خانواده و محترم شمردن اراده او در تربیت فرزندان و اداره مالی و اخلاقی خانواده است (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱/ ۲۰۹-۲۱۰). تمکین خاص ناظر به رابطه جنسی زوجین و پاسخ دادن به خواسته‌های مشروع زوج است (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱/ ۲۱۰).

بر اساس منابع فقهی اطاعت از زوج و تمکین تکلیف زوجه و بر او واجب است (زحیلی، بی‌تا: ۶۷۹۲/۹)؛ زیرا چنانچه تمکین حق باشد زوجه می‌تواند از اجابت درخواست زوج امتناع ورزد؛ درحالی‌که به این صورت نیست و در مسئله رابطه زناشویی زوجه باید تابع رأی و نظر زوج باشد و هر زمان زوج درخواست کند باید او را اطاعت نماید و درخواست‌های او را پاسخگو باشد. دلایل وجوب تمکین عبارت‌اند از:

۱- خداوند متعال می‌فرماید: «أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا

كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ» آمیزش و نزدیکی با همسرانتان در شب روزه‌داری حلال گردیده است. آنان لباس شما را بشوید و شما لباس آنان را بشوید. خداوند می‌داند که شما بر خود خیانت می‌کردید. خداوند توبه شما را پذیرفت و شما را بخشید. پس هم‌اکنون با آنان آمیزش کنید و چیزی را نخواهید که خدا برایتان لازم دانسته است. (بقره/۱۸۷) و نیز می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ اطَّعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا» مردان بر زنان سرپرستانند (و در جامعه کوچک خانواده، حق رهبری دارند و صیانت و رعایت زنان بر عهده ایشان است) بدان خاطر که خداوند (برای نظام اجتماع، مردان را بر زنان در برخی از صفات برتری‌هایی بخشیده است و) بعضی را بر بعضی فضیلت داده است و نیز بدان خاطر که معمولاً مردان رنج می‌کشند و پول به دست می‌آورند و) از اموال خود (برای خانواده) خرج می‌کنند. پس زنان صالحه آنانی هستند که فرمان‌بردار (اوامر خدا و مطیع دستور شوهران خود) بوده (و خویشتن را از زنا به دور و اموال شوهران را از تبذیر محفوظ) و آسرا (زناشویی) را نگاه می‌دارند؛ چرا که خداوند به حفظ (آنها) دستور داده است. (زنان صالح چنین بودند ولیکن زنان ناصالح آنانی هستند که سرکش می‌باشند) و زنانی را که از سرکشی و سرپیچی ایشان بیم دارید، پند و اندرزشان دهید و (اگر مؤثر واقع نشد) از هم‌بستری با آنان خودداری کنید و بستر خویش را جدا کنید (و با ایشان سخن نگوئید؛ و اگر بازهم مؤثر واقع نشد و راهی جز شدت عمل نبود) آنان را بزنید. پس اگر از شما اطاعت کردند، راهی برای (تنبیه) ایشان نجوید، بی‌گمان خداوند بلندمرتبه و بزرگ است» (نساء/۳۴).

۲- پیامبر (ص) می‌فرماید: «إن جهاد المرأة حسن التبعل لزوجها» «جهاد زن خوب و نیکو شوهرداری کردن است» (سیوطی، بی‌تا: ۲۶۶/۳۹، فوری، ۱۴۰۱: ۹۰۷/۱۵). نیز می‌فرماید: «إذا صلت المرأة خمسها وصامت شهرها، وحفظت فرجها و أطاعت زوجها دخلت الجنة» اگر زن نمازهای پنج‌گانه‌اش را به‌جا آورد و روزه رمضان را بگیرد و از زنا دوری و از شوهرش اطاعت کند، به بهشت داخل می‌شود (فوری، ۱۴۰۱: ۴۰۶/۱۶؛ سیوطی، بی‌تا: ۲۸۱/۳).

- ۳- همه علمای مذاهب اسلامی بر این مسئله که تمکین زوجه نسبت به زوج واجب است اجماع دارند و اختلافی در این باره وجود ندارد؛ زیرا یکی از مهم‌ترین اهداف نکاح بحث از استمتاع و رابطه زناشویی است (دسوقی، بی تا: ۲ / ۲۱۵، دمیاطی؛ بی تا: ۳ / ۳۴۰، بهوتی، ۱۴۰۲: ۵ / ۱۸۸)
- ۴- دلیل عقلی: از نظر اسلام پاسخگویی به غریزه جنسی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و در شریعت اسلام و بلکه همه شرایع الهی این امر باید منحصراً در زندگی مشترک و در رابطه زن و شوهر تأمین شود. از این رو ممانعت از رفع کامل این نیاز به صورت متعارف، به‌ویژه از سوی زن برخلاف اصل فوق است و از نظر عقلاً نیز دسترسی به استمتاع کامل از جنس ناهمسان از نیازهای غریزی هر انسان است و این امر از مقومات و ارکان زوجیت به حساب می‌آید (صدر حسینی، ۱۳۹۲: ۲).

ج. وظایف زن (زوجه)

با توجه به تکلیفی بودن دایره تمکین بر این اساس وظایفی در شرع برای زوجه مقرر شده است که رعایت این وظایف سبب استحکام زندگی زناشویی، ایجاد انس و الفت بین همسران و تقویت بنیان‌های خانواده خواهد گردید. از جمله وظایف زوجه عبارت‌اند از:

اطاعت و فرمان‌برداری از شوهر. داشتن زندگی سالم همراه با آسایش و امنیت نیازمند توافق و همکاری متقابل بین زوجین است و آن‌ها نباید خود را مستقل از یکدیگر بدانند و باید برای تأمین نیازهای یکدیگر کوشش نمایند. احترام بین همسران در محیط خانواده از اصول مهم اخلاقی است و در سایه اطاعت زوجه از زوج میسر می‌گردد؛ چراکه آنچه در زندگی زناشویی مطرح است «ما» است نه خودرأیی و استبداد؛ و در این صورت اطاعت زن از شوهرش، امری طبیعی و مقتضای زندگی زناشویی است. بی‌شک فرمان‌بری زن از شوهرش موجب حفظ کیان و هستی خانواده از نابودی و انحلال شده و باعث برانگیختن مهر و محبت قلبی شوهر به همسرش می‌گردد و در نتیجه دوستی و الفت بین اعضای خانواده عمیق و ریشه‌دار شده و موجب برچیده شدن جدال و سرکشی می‌شود که در غالب اوقات تبدیل به نزاع و دعوا می‌گردد. لازم به ذکر است دایره اطاعت و فرمان‌برداری زوجه محدود به امور پسندیده و معروف شرعی است و دربرگیرنده کارهایی که

استطاعت انجام آن را ندارد یا مشقت بار و معصیت زا است و سبب نافرمانی از دستور خداوند متعال می‌شود، نمی‌گردد؛ زیرا پیامبر (ص) می‌فرماید: «لا طاعة لمخلوق فی معصية الخالق» (بخاری، بی‌تا: ۱۹۵/۳؛ زیدان، ۱۴۳۱: ۱۱۷/۳).

حسن معاشرت و خوش رفتاری با همسر. پس از انعقاد عقد نکاح و گره خوردن دو شخصیت زن و مرد با یکدیگر و ساختن یک خانواده، تعامل و رفتار متقابل زوجین با یکدیگر نقش منحصری در بقا و تکامل و تعالی خانواده ایفا می‌کند. هیچ تردیدی نیست که اولین خواسته مرد حسن معاشرت همسرش با اوست؛ یعنی زبان خوش و رفتار خوب. این حداقل خواسته‌ای است که مردان در تعامل زناشویی و همسررداری سخت بدان نیازمند هستند و اسلام نیز بدان اهتمام داشته و حتی حسن معاشرت زن با مرد را نشانه ایمان و تقوای او قرار داده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای شما درست نیست که زنان را (همچون کالایی) به ارث برید (و ایشان را بدون مهریه و رضایت، به ازدواج خود در آورید و) حال آنکه آنان چنین کاری را نمی‌پسندند و اदार بدان می‌گردند؛ و آنان را تحت فشار قرار ندهید تا بدین وسیله (ایشان را اदार به چشم پوشی از قسمتی از مهریه کنید و) برخی از آنچه را که بدیشان داده‌اید فرا چنگ آرید. مگر این که آنان (با نشوز و سوء خلق و فسق و فجور) دچار گناه آشکاری شوند (که در این صورت می‌توانید بر آنان سختگیری کنید، یا به هنگام طلاق قسمتی از مهریه را باز پس بگیرید)؛ و با زنان خود به‌طور شایسته (در گفتار و در کردار) معاشرت کنید و اگر هم از آنان (به جهاتی) کراهت داشتید (شتاب نکنید و زود تصمیم به جدایی نگیرید) زیرا چه بسا از چیزی بدتان بیاید و خداوند در آن خیر و خوبی فراوانی قرار بدهد» (نساء/۱۹). پیامبر (ص) نیز می‌فرماید: «الدنيا متاعٌ وخير متاع الدنيا المرأة الصالحة» دنیا متاع است و بهترین متاع دنیا زن صالحه و نیکوکار است (مسلم، بی‌تا: ۱۰۹۰).

آرایش و خودآرایی برای همسر. خودآرایی و تزئین در نهاد زن قرار گرفته است؛ ولی زن به عنوان جنس ناهمسان مرد، حتی اگر خود را نیاراید، بازهم جذاب و دارای کشش است. پس بی‌شک این سرمایه خداداد باید در مسیر تثبیت زندگانی مشترک به کار رود. اگر زندگی مشترک فقط سپری نمودن چند ساعت و چند روز بود، شاید سهل‌انگاری و بی‌اعتنایی مشکل‌آفرین نبود؛ ولی زندگانی درازمدت زن و شوهر باید پیوسته همراه با جاذبه عشق باشد تا هیچ‌گاه گردوغبار بی‌میلی و بی‌اعتنایی و دلسردی و ناامیدی بر صفحه درخشان آن ننشیند. استفاده از زینت و آرایش، جذابیت زن را تقویت می‌کند و بر همین اساس است که رسول خدا (ص) یکی از صفات زن شایسته را خودآرایی برای شوهر بیان می‌دارند؛ زیرا مردی که به همسرش عشق و مهر می‌ورزد، بیگانه را به حریم دل خود راه نمی‌دهد. در این حال، بر سراسر زندگانی آن دو، آبر آرامش و اطمینان سایه می‌گستراند و اینجاست که آرام‌بخش بودن وجود زن، مفهوم و عینیت پیدا می‌کند. اهمیت آراستگی زن برای شوهر تا آنجا است که در فرهنگ اسلام، زن با هیچ بهانه‌ای نمی‌تواند درباره انجام این وظیفه در قبال همسرش بی‌اعتنا یا بی‌توجه باشد. البته شرایط مختلف زندگی مقتضی گونه‌های مختلف عمل به این وظیفه و خواهان برخورد شایسته و بایسته زن در آن شرایط است؛ بنابراین مرد دوست دارد که زنش برای او خودآرایی کند (امینی، ۱۳۸۹: ۲-۴).

خودآرایی زن دربرگیرنده موارد زیادی می‌شود که خود سبب نزدیکی همسران و بهتر شدن روابط بین آنها می‌شود. از جمله:

۱. استفاده از زیورآلات، پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «أَجَلُّ الدَّهْبِ وَالْحَرِيرُ لِأَنَّثِ أُمَّتِي، وَحُرْمٌ عَلَى ذُكُورِهَا» (ابن حجر، ۱۴۰۸، ۱/۱۹۱). به همین دلیل عده‌ای از فقها معتقدند بر زوج واجب است که برای همسرش وسایل زینتی و آرایشی بخرد (بدیوی، ۱۴۱۷: ۱۳۰). زمخشری (بی‌تا: ۲۳۴/۳) می‌گوید: زینت به چیزهایی مانند زیورآلات یا مواد آرایشی مثل حنا و سرمه گفته می‌شود که معمولاً زنان خود را با آنها آرایش می‌نمایند؛ و هرکدام از آنها مانند انگشتر یا سرمه کشیدن چشم ظاهر باشد، نمایان بودن آن مانعی ندارد؛ ولی نمایاندن زیورآلاتی مانند

- دستبند، گردنبند و گوشواره که معمولاً زیر پوشش و روسری قرار دارند، به بیگانگان حرام است و تنها نمایاندن آن‌ها به محارمی مانند شوهر و فرزندان و بقیه اقوام محرم جایز است.
۲. آرایش موی سروصورت: از آنجاکه مو نماد زیبایی انسان است و شریعت نیز انسان را به زیبایی دعوت می‌کند و می‌فرماید: «إن الله جمیل یحب الجمال» (سیوطی، بی تا: ۱۴/۸). این نوع آرایش برای زن جایز است (بدیوی، ۱۴۱۷: ۱۳۳).
۳. استفاده از سرمه و آرایش نمودن چشم‌ها (بدیوی، ۱۴۱۷: ۱۳۴).
۴. رنگ کردن ناخن و آراستن آن‌ها به وسیله موادی که مانع رسیدن آب به آن‌ها نشود مثل حنا (بدیوی، ۱۴۱۷: ۱۳۵)؛ چراکه پیامبر این کار را مباح اعلام فرموده است و می‌فرماید: «لو كنت امرأة لغيرت أظفرک بالحناء» (بیهقی، ۱۴۲۴: ۱۳۹/۷).
۵. پوشیدن لباس مرتب و زیبا؛ زیرا انسان ذاتاً زیباست و به زیبایی گرایش دارد و اگر زوج یا زوجه زیبا و مرتب باشد باعث ایجاد الفت و دوستی در طرف مقابل می‌شود. به همین دلیل است که پیامبر (ص) می‌فرماید: هرگاه کسی شبانه از سفر بازگشت پیش همسرش نرود چون زن در آن هنگام آماده نیست و خودآرایی نکرده و این امر باعث ایجاد نفرت بین آن‌ها می‌شود؛ یعنی تا زمانی که زن خود را آماده نکند و موهایش را شانه نزند (عک، ۱۴۲۳، ۲۷۱).
- خودآرایی برای همسر نماد دوست داشتن و رغبت داشتن به همسرش است، زن عاقل هنگام مواجه شدن با همسرش به بهترین نحو آرایش می‌کند به صورتی که همسرش بیشتر شیفته او گردد (شربجی، ۱۴۲۲: ۱۴۸).
- محافظت از منزل و اموال و حیثیت شوهر. زن باید حافظ مال و حیثیت شوهر باشد و از حریم منزل خود محافظت نماید؛ چراکه پیامبر (ص) فرموده است: «والمراة راعیة علی بیت زوجها و ولده» (بخاری، بی تا: ۱۱۰/۲) همچنین پیامبر (ص) می‌فرماید: «خیر النساء من إذا نظرت إلیها سرتک و إذا أمرتها أطيعتک و إذا غبت عنها حفظتک فی نفسها و مالک» (فوری، ۱۴۰۱: ۲۸۲/۱۶). بر اساس این حدیث زنان امانت‌دار شوهران هستند و بدون اطلاع شوهر نباید در اموال وی دخل و تصرف نمایند و نباید به دیگران نیز اجازه دخل و تصرف در اموال شوهر را بدهند مگر با اجازه و مشورت

با او. زن افزون بر حفاظت از مال و دارایی شوهرش باید در حفظ آبروی وی نیز بکوشد. منظور از حفاظت از آبرو و حیثیت شوهر این است که زن از لحاظ شخصیت زنانگی‌اش به وی خیانت نکند، مثلاً به مردان نامحرم نگاه خائنه نداشته باشد، سخن فتنه‌انگیز نگوید و به جاهایی که امکان آلوده شدن به گناه است نرود و فرزندانش را نیز این‌گونه بر اساس شئون صحیح تربیت کند (سلیمی، ۱۳۹۴: ۱۲۶). در حجة الوداع بود که رسول خدا (ص) ضمن وصیت و سفارش به همه مسلمانان فرمودند: «ای مردان شما بر زنانتان حقی دارید و همچنین آن‌ها نیز دارای حقوقی هستند، حقی که شما بر آن‌ها دارید، این است که به کسانی که شما از ایشان بدتان می‌آید اجازه ورود به منزلتان را ندهند و با آن‌ها معاشرت نداشته باشند و حق آن‌ها بر شما این است که به بهترین شیوه با آن‌ها معاشرت کنید و لباس و غذای آن‌ها را فراهم نمایید» (مسلم، بی تا: ۸۹۰/۲؛ نسایی، ۱۴۰۶: ۳۹۷/۶).

حفظ کرامت شوهر. زن باید کرامت و احساسات همسرش را مراعات کند: زن باید چنان نظر شوهرش را با زیبایی و زینت و تنظیم امور خانه جلب و جذب کند که شوهر آنچه در منزل می‌بیند، می‌شنود و احساس می‌کند همه‌اش در نظر او زیبا و پسندیده باشد (اسباب خوشحالی همسرش را فراهم کند). آرایش و آراستگی همسران برای یکدیگر مطلوب است و شوهر حق دارد از زنش بخواهد که پوشش و لباس موردعلاقه او را بر تن کند و زن نیز حق دارد چنین انتظاری از شوهرش داشته باشد؛ زیرا توجه به علاقه و خواست طرف مقابل، محبت و تفاهم بیشتری را در کانون خانواده به وجود می‌آورد و از توجه زن و شوهر به مردان و زنان دیگر پیشگیری می‌نماید (سلیمی، ۱۳۹۴: ۱۲۹).

کمک به همسر، انجام کارهای منزل و تربیت فرزندان. زن از نظر دینی و اخلاقی، نه به‌عنوان حکم شرعی و قانونی، لازم است کارهای مربوط به منزل مانند تهیه غذا، نظافت منزل، مرتب نمودن وسایل را انجام دهد. دلیل این درخواست از زنان آن است که رسول خدا (ص) کار و مسئولیت‌های خانوادگی را میان حضرت علی و فاطمه تقسیم فرمود؛ و کارهای داخل منزل را به حضرت فاطمه و کارهای خارج از منزل را به حضرت علی واگذار نمودند (ابن قیم، ۱۴۱۵: ۱۸۶/۵)؛ ولی از نظر حکمی و قضاوت شرعی زن مکلف به انجام دادن کارهای منزل نیست (ابن حجره‌یتمی، بی تا:

۳۱۶/۸). ابن قدامه مقدسی می‌گوید: «امام احمد بر این باور است که زن مجبور نیست کارهایی مانند آشپزی و پخت نان و امثال آن را انجام بدهد» (ابن قدامه، ۱۴۰۵: ۲۱/۷)؛ ولی مسئولیت زن در ارتباط با تربیت و پرورش فرزندان و سرپرستی و رسیدگی به اوضاع و احوال آن‌ها، بر اساس آیه ۲۳۳ سوره بقره که می‌فرماید: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ» مادران دو سال تمام فرزندان خود را شیر می‌دهند، هرگاه یکی از والدین یا هردوی ایشان خواستار تکمیل دوران شیرخوارگی شوند و نیز حدیث «والمراة راعية علی بیت زوجها و ولده» (بخاری، بی‌تا: ۱۱۰/۲) از مهم‌ترین وظایف اوست.

نیکی به خانواده و اقوام نزدیک شوهر. از مهم‌ترین وظایفی که زوجه بر عهده دارد، نیکی کردن به پدر و مادر و خواهر و برادر شوهرش و ارتباط حسنه و رفتار نیکو با آن‌ها است؛ زیرا تعامل حسنه زن با اقوام شوهر موجب خوشحالی و شادمانی شوهر شده، انس و الفت شوهر با زن بیشتر شده و از این طریق رابطه زناشویی آن دو مستحکم شده و مهر و محبت در بین ایشان پایدار می‌گردد. پس اگر فرزند از نظر شرعی وظیفه دارد به خاطر محکم نمودن رابطه اجتماعی محبت به پدرش را حفظ کند، زن هم شرعاً وظیفه دارد که به طریق اولی، جهت استحکام بنیان خانواده به بستگان شوهر محبت و مودت نماید تا کبوتر محبت و آرامش بر خانواده بال گسترده و سایبان‌های خانواده را انس، تفاهم و همدلی فراگیرد. پس اگر زن رشته دوستی با خویشاوندان همسرش را حفظ نماید، این به طریق اولی بهتر و شایسته‌تر است (سلیمی، ۱۳۹۴: ۱۲۹).

خروج از منزل با اجازه شوهر. یکی دیگر از وظایف زوجه، عدم خروج از منزل مگر با کسب اجازه از زوج است و این وظیفه در راستای رعایت و پاسداری از حریم خانواده و عدم رسیدن ضرر و زیان به زن است. احادیث فراوانی در این زمینه وارد شده است. از جمله: «لا تسافر امرأة مسيرة یومین لیس معها زوجها أو ذومحرم» (بخاری، بی‌تا: ۱۹/۳). همچنین پیامبر (ص) می‌فرماید: «إذا استأذنت احدکم امرأته إلی المسجد فلا یمنعها» (عینی، بی‌تا: ۱۰/۱۳). ابن قیم می‌گوید: شوهر می‌تواند مانع خروج زن از منزل برای اموری که خود توانایی انجام آن را دارد، بشود و تفاوتی نمی‌کند که آیا

برای دیدار و عیادت پدر و مادرش برود و یا در تشییع جنازه آنها حضور یابد، زیرا اطاعت از شوهر واجب و عیادت، امری غیر واجب است و ترک امر واجب برای کاری که واجب نیست، شرعاً جایز نیست (۱۴۰۵: ۲۰/۷).

بحث و نتیجه گیری

بر پایه آنچه در این پژوهش مطرح گردید پیدایش اسلام آغاز دوره‌ای نوین در زندگی زنان بود و آنها با حقوق و تکالیف راستین خویش آشنا شدند و از رنج‌های غیرانسانی‌ای که متحمل شده بودند، رهایی یافتند. اسلام حقوق و تکالیف را برای زنان بر پایه نقش‌هایی که عهده‌دار می‌شوند تقسیم‌بندی نموده است. یکی از این وظایف نقش زن به‌عنوان همسر است که در اصطلاح فقهی - حقوقی به آن تمکین گفته می‌شود. مهم‌ترین نکته‌ای که در این نقش قابل توجه است هدفی است که از آفرینش زن به‌عنوان همسر از آن یاد شده است و آن برپاداشتن آرامش و سکونت و فضایی امن در محیط خانواده و استحکام بخشی به پایه‌های آن برای پرورش نسل فردا است. این هدف هنگامی میسر می‌شود که زن به‌عنوان همسر نقش‌ها و وظایف خود را به نحو احسن انجام دهد و آنها عبارت‌اند از: پیروی و فرمان برداری از همسر، حسن معاشرت و خوش رفتاری با او، خودآرایی و آرایش برای همسر، محافظت از منزل و دارایی‌ها او در نبود همسر، حفظ کرامت همسر و تعاون و همکاری با او در پرورش فرزندان، خروج از منزل با کسب اجازه و نیکی به پدر و مادر و خویشان همسر. سرانجام می‌توان گفت پیش روگیری این کارها از سوی زوجه [همسر] مایه حفظ کیان و هستی خانواده از نابودی و انحلال و نیز مایه برانگیختن مهر و محبت قلبی شوهر به همسرش می‌گردد و برآیند اینکه دوستی و همدمی میان اعضای خانواده ژرف و ریشه‌دار می‌شود و مایه جلوگیری از بروز اختلافات خانوادگی و کشمکش و آسیب‌های روحی - روانی و سرانجام طلاق که از بزرگ‌ترین چالش‌های روزگار اکنون است، خواهد گردید.

می‌توان شباهت‌های این پژوهش را با پژوهش‌های پیشین این گونه بیان نمود که در هر دو تمکین بر زن (زوجه) واجب است و هر دو آیات قرآن و احادیث پیامبر (ص) و هم‌رأیی علما را به‌عنوان دلیل بایستگی آن بیان نموده‌اند. همچنین در این پژوهش و پژوهش‌های پیشین وظایف زن در

زندگی زناشویی ۸ مورد بیان شده است، در این پژوهش نیز به ۸ مورد از وظایف زن اشاره شده است. تفاوت یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های پیشین نیز در این است که در این پژوهش به صورت ویژه و با بسط بیشتری به بحث درباره وظایف زن در زندگی زناشویی اشاره شده است ولی در پژوهش‌های پیشین به صورت خلاصه به آن پرداخته شده است. همچنین در این نوشتار برخلاف پژوهش‌های یادشده، از منابع و دیدگاه‌های اهل سنت استفاده شده است. لازم به ذکر است پژوهشگران در انجام این پژوهش با محدودیت ویژه‌ای روبرو نشده‌اند و محدودیتی که وجود دارد از لحاظ اجرایی است؛ زیرا در مشاوره‌های پیش از ازدواج کمتر از حضور مشاوران و کارشناسان مذهبی استفاده می‌شود؛ بنابراین پیشنهاد می‌گردد در مراکز مشاوره خانواده، در کنار روان‌شناسان و مشاوران خانواده، مشاوران مذهبی و حقوقی نیز حضور داشته باشند تا این وظایف و تأثیر آن را در آرامش و استواری خانواده و زندگی زناشویی به همسران یادآوری نمایند و سرانجام از طلاق و فروپاشی کانون خانواده جلوگیری به عمل آید.

منابع

قرآن کریم

- ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین. (۱۴۰۸). *فتح الباری بشرح صحیح البخاری*. بیروت: دار التراث العربی. همو. (بی تا). *بلوغ المرام*. بی جا.
- ابن حجر هیتمی، شهاب الدین. (بی تا). *الفتاوی الکبری الفقهیه*. بیروت: دارالفکر.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد. (۱۴۰۵). *المغنی فی فقه الامام احمد بن حنبل الشیبانی*. بیروت: دارالفکر.
- ابن قیم، محمد بن ابی بکر. (۱۴۱۵). *زاد المعاد فی هدی خیر العباد*. بیروت: مؤسسه الرساله.
- ارسطو. (بی تا). *اصول حکومت آتن*، ترجمه ابراهیم باستانی پاریزی. چ ۲. تهران: انتشارات کتابهای جیبی. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۱۹۹۶).
- افلاطون. (۱۳۵۴). *قوانین*. ترجمه محمد رضا لطفی. تهران: بنگاه مطبوعاتی صفی علیشاه. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۱۹۸۸).

- بار تلمه، کریستیان. (۱۳۷۷). زن در حقوق ساسانی. ترجمه صاحب الزمانی. تهران: بنگاه مطبوعاتی عطایی. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۱۹۵۸).
- بخاری، أبو عبد الله محمد بن اسماعیل. (بی تا). الجامع الصحیح المسمی بصحیح البخاری. بیروت: دار صادر. بدران، بدران أبو العینین بدران. (۱۳۸۱). تاریخ فقه اسلامی، ترجمه نوید نقشبندی. سنج: دانشگاه کردستان. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، بدون تاریخ).
- بدیوی، یوسف علی. (۱۴۱۷). حق الزوجه علی الزوج و حق الزوجه علی الزوجه. بیروت: دار ابن کثیر. بستان، حسین. (۱۳۹۰). نابرابری جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه. بهوتی، منصور بن یونس. (۱۴۰۲). کشف القناع عن متن الإقناع. بیروت: دار الفکر.
- بیهقی، أبو بکر. (۱۴۲۴). السنن الکبری و فی ذیلہ الجوهر النقی. هند: مجلس دائرة المعارف النظامیه الکائنه. پطروشفسکی، ایلیا پاولویچ. (۱۳۵۱). اسلام در ایران. ترجمه: کریم کشاورز. چ ۱. تهران: انتشارات پیام. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۱۹۸۵).
- تلیدی، عبدالله. (۱۴۱۱). المرأة المتبرجه و أثرها السیء فی الأمة. قاهره: دار ابن حزم. تورات (عهد عتیق). (بی تا). انجمن کتاب مقدس ایران.
- حسن، حسن ابراهیم. (۱۳۸۵). تاریخ سیاسی اسلام. ترجمه ابو القاسم پاینده. تهران: بدرقه جاویدان. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۱۹۹۶).
- شوقی، أبو خلیل. (۱۳۵۵). اسلام در زندان اتهام. ترجمه حسن اکبری مرزناک. تهران: انتشارات بعثت. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۱۹۸۲).
- دسوقی، محمد عرفه. (بی تا). حاشیه الدسوقی علی الشرح الکبیر. بیروت: دار الفکر.
- دمیاطی، أبی بکر ابن السید محمد شطا. (بی تا). حاشیه إعانة الطالبین علی حل ألفاظ فتح المعین لشرح قره العین بمهمات الدین. بیروت: دار الفکر.
- دورانت، ویل. (۱۳۷۶). تاریخ تمدن. ترجمه آرام، احمد و پاشایی، ع و آریان پور، امیرحسین. چ ۵. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۱۹۵۴).
- روحی، زهرا. (۱۳۹۰). تحکیم خانواده و راهکارهای تقویت آن. مجله طهورا. زمستان، ۱۱: ۱۳۰-۱۰۹.
- زحیلی، وهبه. (بی تا). الفقه الإسلامی و أدلته. ط ۳. دمشق: دار الفکر.
- زمخشری، أبو القاسم. (بی تا). الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

زیدان، عبدالکریم. (۱۴۳۱). *المفصل فی احکام المرأة و البيت المسلم فی الشریعة الإسلامیة*. بیروت: مؤسسه الرسالة.

سلیمی، عبدالعزیز. (۱۳۹۴). *فقه خانواده در جهان معاصر*. تهران: نشر احسان.

سیوطی، جلال الدین. (بی تا). *جامع الأحادیث*. بی جا.

شربجی، علی. (۱۴۲۲). *الاسرة السعیة و اساس بنائها*. بیروت: الیمامة.

صدر حسینی، سید علی رضا. (۱۳۹۲). *حق استمتاع زوج و وظیفه تمکین زوجه*. دانلود از سایت:

<http://www.sadrsite.com>

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۹۸۳). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الأعلمی.

طبری، محمد بن جریر. (۱۹۹۱). *تاریخ الطبری*. ط ۳. بیروت: دار الکتب العلمیة.

عزاز، بدریة. (بی تا). *المرأة ماذا بعد السقوط*. کویت: مکتبه المنار الإسلامیة.

علاسوند، فریبا. (۱۳۹۰). *زن در اسلام*. قم: هاجر.

عکک، عبدالرحمن. (۱۴۲۳). *واجبات المرأة المسلمة فی الضوء القرآن و السنة*. بیروت: دارالمعرفة.

عینی، بدرالدین محمود بن أحمد. (بی تا). *عمدة القارئ شرح صحیح البخاری*. بیروت: دار الفکر.

فوری، علاء الدین علی. (۱۴۰۱). *کنز العمال فی سنن الأفعال والأفعال*. بیروت: مؤسسه الرسالة.

قطب، سید. (۱۴۱۲). *فی ظلال القرآن*. بیروت: دار الشروق.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۸). *دوره حقوق مدنی: خانواده*. ج ۱. نکاح و طلاق. تهران: شرکت سهامی انتشار.

کمالی، سید علی. (بی تا). *قرآن و مقام زن*. چ ۲. تهران: انتشارات اسوه.

محمود، علی عبد الحلیم. (۲۰۰۱). *المرأة المسلمة و فقه الدعوة إلى الله*. ط ۴. دار الوفاء.

مسلم، أبو الحسن مسلم بن الحجاج النیشاپوری. (بی تا). *الجامع الصحیح المسمى بصحیح مسلم*. پژوهش و

ترقیم: محمد فؤاد عبد الباقي. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مسیکه بر، فتنّت. (۱۹۹۲). *حقوق المرأة بین الشرع الإسلامی و الشرع العالمیة لحقوق الإنسان*. ط ۱. بیروت:

مؤسسه المعارف.

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۱). *نظام حقوق زن در اسلام*. تهران: انتشارات صدرا.

مولوی، جلال الدین. (بی تا). *مثنوی معنوی*، به تصحیح نیکلسون. دفتر اول. بیت ۲۳۱۴ - ۲۳۱۱.

نسایی، أحمد بن شعیب أبو عبد الرحمن. (۱۴۰۶). *المجتبی من السنن*. حلب: مکتب المطبوعات الإسلامیة.

نفیسی، سعید. (۱۳۸۴). *تاریخ اجتماعی ایران از انقراض ساسانیان تا انقراض امویان*. به اهتمام عبدالکریم

جریزه‌دار. چ ۱. تهران: انتشارات اساطیر.

نوابخش، ع. (بی‌تا). *زن در تاریخ*. ج ۱. تهران: نشر رفعت.

نوری، اعظم. (۱۳۸۹). عوامل تحکیم و ثبات خانواده. *مجله طهورا*. پاییز و زمستان، ۷: ۱۴۵-۱۷۸.





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی